

به نام خداوند جان آفرین

حکیم سخن در زبان آفرین



دانشگاه اصفهان

مجله

مطالعات بانی و بلاغی

مجله علمی

- ❖ این نشریه بر اساس مجوز شماره ۸۹/۱۶۶۳ مورخ ۸۹/۱/۳۱ اداره کل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می شود.
- ❖ این نشریه بر اساس نامه شماره ۳۰۹۸۲۵/۳۱۸/۳ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۷ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، اعتبار علمی - پژوهشی دریافت کرده است.
- ❖ این نشریه در مرکز ISC و SID و Noormags نمایه می شود.

سال یازدهم - شماره بیست و یکم - بهار و تابستان ۱۳۹۹

مطالعات زبانی و بلاغی

مجله علمی

صاحب امتیاز: دانشگاه سمنان

مدیر مسئول: دکتر قدرت‌الله خیاطیان

سر‌دبیر: شادروان دکتر عصمت اسماعیلی

مدیر داخلی: علی برهانی

اعضای هیأت تحریریه

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان	دکتر عصمت اسماعیلی
دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان	دکتر حسن اکبری بیرق
دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی	دکتر نعمت‌الله ایران‌زاده
دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان	دکتر عبدالله حسن‌زاده میرعلی
دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان	دکتر محمود خورسندی
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس	دکتر حسن ذوالفقاری
استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان	دکتر ناصر رحیمی
دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران	دکتر قدسیه رضوانیان
دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی	دکتر ناصر قلی سارلی
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس	دکتر غلامحسین غلامحسین‌زاده
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران	دکتر امیربانو کریمی فیروزکوهی
دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان	دکتر مهدی محبتی

ویراستار: دکتر حسن یعقوبی

ویراستار چکیده‌های انگلیسی: دکتر آرام رضا صادقی

ناظر چاپ: حمیدرضا مولایی

طراح جلد: اسماعیل شجاعی

ناشر: انتشارات دانشگاه سمنان

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

چاپ: نفیس سمنان

نشانی: سمنان، میدان دانشگاه، روبروی پارک سوکان، پردیس دانشگاه سمنان، دانشکده علوم انسانی، دفتر مجله مطالعات زبانی و بلاغی

تلفن و دورنگار: ۰۲۳-۳۳۶۵۴۰۸۶

پست الکترونیکی: rhetorical@semnan.ac.ir

نشانی سامانه مجله: <http://rhetorical.journals.semnan.ac.ir>

خط مشی مجله مطالعات زبانی و بلاغی

وجه مشترک آثار گونه‌گون ادبی با همه تنوع و تکثری که دارند، یکی عنصر زبان است و دیگر عنصر «ادبیّت»؛ و یکی از معیارهای مهم سنجش ادبیّت هر متن، «بلاغت» است. به این ترتیب، توجه به جنبه‌های گوناگون زبانی و بلاغی متون، جزء لاینفک بسیاری از تحقیقات ادبی است. از این رو گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه سمنان با انتشار مجله‌ای تخصصی، این نوع پژوهش‌ها را در دسترس صاحب‌نظران و علاقمندان می‌گذارد. دوفصلنامه «مطالعات زبانی و بلاغی» که با درجه علمی - ترویجی از سال ۱۳۸۸ (تا شماره ۱۴ پاییز و زمستان ۱۳۹۵) انتشار یافته و از شماره ۱۵ (بهار و تابستان ۱۳۹۶) درجه علمی - پژوهشی دریافت کرده است؛ چنان‌که از نام آن پیداست، مقالاتی را چاپ می‌کند که به یکی از دو حوزه «زبان» یا «بلاغت» پرداخته باشند.

بخش «زبان» موضوعاتی همچون دستور، لغت، آواشناسی، واج‌شناسی و تاریخ زبان را در بر می‌گیرد که گونه‌های مختلف فارسی اعم از کهن، معاصر، رسمی، ادبی، محاوره، گویش‌های ایرانی و لهجه‌های محلی را شامل می‌شود.

بخش «بلاغت» هم مباحث و نظریه‌های قدیم و جدید این علم را بر اساس متون نظم و نثر کهن و معاصر فارسی، می‌کاود.

مجله، آن دسته از مقاله‌هایی را که در حوزه «زبان» یا «بلاغت» به مقایسه میان متون فارسی و دیگر زبان‌ها پرداخته باشند، نیز به چاپ می‌رساند؛ اما در خصوص پژوهش‌های بلاغی مربوط به قرآن کریم، شرط مقایسه با متن‌های فارسی را در نظر نمی‌گیرد و صرفاً به غلبه عنصر مشترک بلاغت فارسی و عربی در مقاله نظر دارد.

شیوه‌نامه تدوین مقاله‌ها در مجله

مطالعات زبانی و بلاغی

مجله علمی

رعایت نکات زیر موجب سهولت در داوری، ویراستاری مقاله‌ها و انتشار به موقع مجله خواهد شد:

- مقاله، مبتنی بر تحقیق و شامل مطالب نو و ابتکاری باشد.
- مقاله دارای ساختار منطقی، منظم و مستند باشد.
- اصول نگارش زبان فارسی معیار، در مقاله به دقت رعایت شود.
- مراجع و منابع مقاله از اصالت کافی برخوردار بوده، در حوزه پژوهش مورد بحث، شناخته شده باشند.
- عنوان مقاله کوتاه و گویای محتوای مقاله باشد.
- چکیده فارسی مقاله، حداکثر در پانزده سطر همراه مقاله ارسال شود.
- چکیده انگلیسی از چکیده فارسی مفصل‌تر باشد و در واقع خلاصه‌ای از دستاوردهای مقاله را ارائه دهد. (لطفاً از ترجمه چکیده به وسیله مترجم‌های ماشینی پرهیز کنید).
- ذکر کلیدواژه‌های مقاله (حداکثر هفت واژه) به فارسی و انگلیسی الزامی است.
- ابعاد صفحات مجله: صفحات A4 و حاشیه‌ها از بالا و پایین ۵,۲ سانتی متر و از چپ و راست ۴,۷۵ سانتی متر می باشد.
- حجم مقاله ارسالی حتی الامکان از ۲۵ صفحه (در اندازه صفحات تعریف شده مجله) و حداکثر از ۷۵۰۰ کلمه فراتر نرود.
- قلم رایانه‌ای تعیین شده برای مقاله‌ها به شرح زیر است:
 - * عنوان مقاله: با قلم **B zar 15** (سیاه)
 - * عناوین اصلی مقاله: **B zar 14** (سیاه)
 - * عناوین فرعی مقاله: **B zar 13** (معمولی)
 - * متن مقاله: **B zar 13** (معمولی)
 - * چکیده و کلیدواژه: **B zar 11** (ایتالیک)
 - * فهرست منابع مقاله: **B zar 11** (معمولی)
 - * پاورقی: **B zar 10** (معمولی)
- * نام کتاب‌ها در داخل متن/ایتالیک شود.
- مقاله‌های ارسالی منحصراً از طریق سامانه مجله به نشانی زیر پذیرفته می‌شود:

<http://rhetorical.journals.semnan.ac.ir>
- مقاله باید شامل مقدمه (طرح موضوع و پیشینه تحقیق)، متن اصلی (بحث، تحلیل و نقد موضوع)، نتیجه‌گیری و منابع و مآخذ باشد.
- عنوان مقاله و نام نویسنده (نویسندگان) به فارسی و انگلیسی ذکر شود.

- رتبه علمی و نام دانشگاه یا مؤسسه محل اشتغال نویسنده (نویسندگان) به فارسی و انگلیسی همراه با پست الکترونیکی و ذکر نام نویسنده مسئول مشخص شود.
- چنانچه مقاله برگرفته از پایان‌نامه یا گزارش طرح پژوهشی باشد، یادآوری آن در پانوشت ابتدای مقاله الزامی است.
- اصول نشانه‌گذاری (سجاوندی)، برای درست‌خوانی و برجسته‌کردن نقل‌قول‌ها رعایت شود (نشانه‌ها بدون فاصله از کلمه قبل و یک فاصله از کلمه بعدی قرار گیرد).
- شیوه ارجاع منابع در این مجله به ترتیب زیر است:
- * ارجاعات مجله به صورت درون‌متنی بوده و در نقل‌قول‌های مستقیم: نشانی مختصر منبع به شکل زیر، بلافاصله بعد از نقل‌قول‌ها در پرانتز ذکر می‌شود: (نام نویسنده، تاریخ انتشار: شماره جلد / شماره صفحه). مثلاً (دهخدا، ۱۳۸۳: ۸۹/۳).
- در پایان مقاله، مشخصات کتاب‌شناسی (منابع و مراجع) به طور کامل، به ترتیب الفبایی نام مؤلفان به ترتیب زیر بیان شود:
- * (برای کتاب): نام خانوادگی، نام (لقب معروف) (تاریخ نشر)، **نام کتاب (سیاه)**، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، نوبت چاپ، محل نشر: نام ناشر.
- مثلاً: دهخدا، علی اکبر (عَلَمَه) (۱۳۸۳)، **امثال و حکم**، ج ۲، چ ۲، تهران: امیرکبیر.
- * (برای مقاله): نام خانوادگی، نام (سال نشر)، **عنوان مقاله**، نام نشریه، شماره دوره، شماره نشریه، شماره صفحات.
- * (برای منابع اینترنتی): نام خانوادگی، نام نویسنده (آخرین تاریخ روزآمدسازی سایت یا تاریخ نقل)، **عنوان موضوع**، نشانی سایت (پایگاه الکترونیکی).
- در اقتباس آزاد از مراجع و منابع، مخاطب مقاله در متن یا پانوشت همان صفحه، به اصل منبع و صفحه‌های مورد نظر ارجاع داده شود.
- آوانگاری لاتین اعلام غیرفارسی و واژه‌های محلی، در پانوشت همان صفحه به صورت چپ‌چین ذکر شود.
- مقاله‌ها پس از داوری تخصصی و احراز شرایط در هیأت تحریریه مجله چاپ می‌شوند.
- مسئولیت مطالب مقاله‌ها به‌عهده نویسنده (نویسندگان) است و نظرات ارائه شده، دیدگاه مجله نیست.
- مطالب مستخرج از پایان‌نامه‌ها، با تأیید استاد راهنما و همراه با نام ایشان در مقاله چاپ می‌شود.
- مجله، در ویرایش زبان مقاله، آزاد است.
- رسم الخط مورد پذیرش این مجله، بر اساس «دستور خط فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی» است.
- ترتیب اسامی نویسندگان و نویسنده مسئول حتماً باید در فایل نویسندگان مشخص شده باشد و نام نویسندگان بعد از ثبت نام مقاله و ارسال به هیچ عنوان قابل تغییر نیست.
- کلیه مکاتبات پس از ثبت نام و ارسال مقاله در سامانه بصورت خودکار با نویسنده‌ای انجام می‌شود که به عنوان عهده‌دار مکاتبات در سامانه مشخص شده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	❖ مقایسهٔ انسجام در قصیدهٔ «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما محمدحسن امرائی
۵۱	❖ تحلیل پارودی در خارستان ادیب قاسمی کرمانی محمدرضا حیدری / مریم خلیلی جهانتیغ / محمد بارانی
۷۹	❖ بررسی نثر عرفانی خطابی در کتاب الانسان الكامل عزیزالدین نسفی قدرت‌الله خیاطیان / الهام رضوانی مقدم
۱۰۱	❖ تحلیل ایجاد معنای آبرونیک در آمیختگی مفهومی تمثیل... سیما رحیمی / احسن ذوالفقاری / نسرین فقیه ملک مرزبان / حسینعلی قبادی
۱۲۹	❖ تبیین ریخت‌شناسانهٔ ویژگی سهل ممتنع در حکایت‌های گلستان... ساره زیرک / حدیث عزیزیان گیلان
۱۵۵	❖ تحلیل کاربرد جامعه‌شناختی انواع آبرونی در مصیبت‌نامهٔ عطار... حسن سلطانی کوهبنانی / کامیار صیدی
۱۸۳	❖ مفهوم‌سازی استعاری «خشم» در پیکرهٔ زبانی و مصور (نگاره‌های) آزاده شریفی مقدم / فتانه‌سادات فاطمی
۲۱۵	❖ بررسی واژگان و ساخت نحوی در اشعار سیاوش کسرایی محمد شکرانی
۲۳۹	❖ تحلیل طرح‌واره‌های تصویری در اشعار مولانا بر پایهٔ دیدگاه... فریبا صادقی / رؤیا صدیق ضیابری / رضا خیرآبادی
۲۷۵	❖ جنبه‌های بلاغی عنصر نحوی «ندا» در اشعار اخوان ثالث ناصر علیزاده / اعظم روحی کیاسر
۳۰۱	❖ بررسی تطبیقی آرای پراپ با گرماس و برمون در باب روایت از... رضا قنبری عبدالملکی / آیلین فیروزیان پوراصفهانی
۳۳۳	❖ ارسطو، خطابه و شعر با تأکید بر شگردشناسی... سیدمجید مقیمی / علیرضا فولادی / سیدمحمد راستگوفر / رضا روحانی
۳۶۳	❖ ردیف‌آغازین در شعر فارسی... مجید منصوری / طاهره قاسمی دورآبادی
۳۸۷	❖ سبک‌شناسی مقایسه‌ای مثنوی‌های مصیبت‌نامه و منطق‌الطیر عطار... مصطفی میردار رضایی / سیاوش حق‌جو
۴۱۵	❖ تحلیل مفهوم بلاغی و زبان‌شناختی دو نشانهٔ زبانی «محتسب» و... یحیی نورالدینی اقدم / نرگس محمدی بدر / سیدغلامرضا غیبی
۴۴۵	❖ ویژگی‌های ادبی و بلاغی شاعران و سنجش اصالت ضبط‌های... یعقوب نوروزی
۴۷۱	❖ بررسی علم معانی در غزلهای شفیعی کدکنی ام‌البنین نیکخواه نوری / مصطفی سالاری / بهروز رومیانی

یادبود دکتر عصمت اسماعیلی؛ سردبیر فقید مجله مطالعات زبانی و بلاغی

دهم تیر ماه ۱۳۴۲ در زنجان متولد شد. در خانواده‌ای همچون بسیاری از خانواده‌های ایران آن روز، ساده و معمولی، اما در دامان مادری چون آب روان، با ایمانی ساده و ناب که همچون خودش، بسیار زود هنگام بار سفر بر بسته بود و رفته بود و یادکردش مدام با اشک و افسوس بود؛ حتی برای من که سعادت دیدارش را نداشتم؛ اما روایت حضورش از زبان دختر برومندش، همواره طعمی تلخ و شیرین به کامم می‌نشانند. آن میراث معنوی همواره با او بود. عرفان حضورش کمتر کسی را بی نصیب می‌گذاشت. مثل بسیاری از هم نسلانش تا پایان درس مدرسه در خانواده بود و همراه و همیار آنها، که خود قصه‌ها داشت از سختی زندگی در زنجان پنجاه سال پیش؛ سختی‌ها و مرارت‌هایی که با اشراق وجود مادر، دیگر نه سختی و مرارت، که آمیزه‌ای از عشق و مقاومت بود. و باز بسان بسیاری از جوانان آن سال‌ها، آرمانگرا بود و پرشور، اما عبور از آستانه جوانی، بی آسیب هم نبود. و بعد از همه اینها، ورود به دانشگاه بود در سال ۱۳۶۷ با عزم جزم و آرزوهای بلند. ورودی با وقفه از پس انقلاب فرهنگی و چند سال تعطیلی دانشگاه‌ها و ... این سال‌های انتظار نیز، بخشی به کار گذشته بود و بخشی به هنر عکاسی و فیلم که جای خود را در دانشگاه به ادبیات داد، و بخشی به ناگزیری. تدریس در نهضت سوادآموزی، تنها، کار نبود؛ بخشی از جلوه عملی همان آرمانی بود که در سر داشت؛ آرمان اعتلای آگاهی جامعه و بویژه زنان و محرومان. نهضت بود؛ نهضتی بر ضد ناآگاهی، بی هیچ چشمداشت مادی.

دانشگاه اما قرار بود آغاز فصل دیگری باشد؛ قرار بود همه آن ناملايمات در این کعبه آمال رنگ بیازد. سال ۶۷ طیفی از دانشجویانی به گروه ادبیات فارسی دانشگاه تهران قدم نهاده بودند که با نوجوانان درسخوان متعارف آن روزها فرق داشتند؛ کسانی که سرد و گرم زندگی را چشیده بودند و از پس سالها انتظار و سرسختی، بدینجا رسیده بودند و عصمت اسماعیلی یکی از اینان بود. دانشجویی با "حضور قاطع و بی تخفیف"، درس خوان و پرشور و بانگیزه که در تمام فعالیت‌های دانشجویی مشارکت فعال داشت؛ از کلاس‌های شعر و داستان تا عضویت در تیم کوهنوردی دانشگاه تهران که سه بار دماوند را به قله صعود کرده بود. همواره از گفتن "ترین" ابا داشته‌ام و حالا گزیری ندارم که مکرر از آن استفاده کنم؛ زیرا او پرشورترین و مصمم‌ترین دختری بود که دانشگاه تهران در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ به خود دیده بود. حضورش حجیم تر و قاطع تر از آن بود که در این دو دهه، حتی از چشم یک تن

جا مانده باشد. دختری درسخوان که آمده بود تا جبران سال‌های ازدست‌رفته را بکند. بهترین گواه این روایت، استاد عزیزمان، دکتر امیربانو کریمی است که این تفاوت را درک کرد و تا آخرین دم حیاتش، همواره مادرانه از او حمایت کرد و از بذل مهر و محبت خویش در کام‌ها و ناکامی‌هایش دریغ نورزید. - پایدار باد سایه آن بزرگ بانو بر سر ما و ادبیات ایران. عصمت اسماعیلی، نمونه تمام عیار ایمان به وظیفه بود. سخاوتمندانه گرما می‌بخشید، لبخند می‌پاشید، مهر می‌ورزید، و همدلانه یاری می‌کرد: صدای گرمش در نوارهای کاست روشن‌دلان آن روزهای دانشگاه، نمونه‌ای کوچک از این نورپاشی و امیدبخشی است. در بذل همه این فضیلت‌ها، نه سلسله‌مراتب می‌شناخت، نه جنسیت می‌دید و نه هیچ ملاحظه حقیر دیگری داشت.

عاشق دنیای هنر و تکنیک بود. با دوربین عکاسی، لحظه‌های بسیاری از زندگی را در قاب تصویر ماندگار کرد. سری هم به فیلم‌سازی زد؛ اما معلمی دست از سرش برنداشت؛ همان کاری که زندگی‌اش را به تمامی بر سر آن نهاد. در هر کاری از تمام وجود هزینه می‌کرد و در معلمی، به غایت. از نخستین روزهای ورود دیرنگامش به دانشگاه، در جنوبی‌ترین نقطه تهران، در پی پرورش استعدادهای درخشان دخترانی برآمد که بیش از همه مستحق دانش و مهر بیکران او بودند و بی‌تردید، او جزء ماندگارترین خاطره انسانی آنهاست. از همان سال‌های آغازین تحصیل، احساس مسئولیتش در قبال زبان فارسی، او را به مؤسسه لغت‌نامه دهخدا کشاند و تا سال‌ها با انگیزه‌ای مثال‌زدنی در کار ویرایش آن فرهنگ، کوشید. درس، تنها یک وجه زندگی او بود؛ در تمام دوران دانشجویی وجه دیگر زندگی‌اش، کار بود و کار، و گاهی دو سه کار توأمان. معلمی، کار ادبی در رادیو، کار لغت‌نامه و کارهای خرد و کلان دیگر. پس از آن نیز به کار تصحیح فرهنگ واژه دو جلدی شمیم پرداخت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری او نیز تصحیح دیوان ارزشمند شرف‌الدین شفروه اصفهانی از حلقه‌های گمشده شعر قرن ششم به راهنمایی دکتر امیربانو کریمی بود که شاهد بودم چه روزان و شبانی، سر در سر این کار کرد و با چه عزم و انگیزه و شوری در جست‌وجوی نسخه‌های متعدّد آن برآمد- که یافتنش در آن روزها کار ساده‌ای نبود. مقدمه ارزشمندش بر این رساله حجیم آماده چاپ، نیز به خوبی بیانگر اشراف و سخت‌کوشی او در این کار است. آخرین کار او در این حوزه- که حوزه تخصصی‌اش بود- تصحیح دو جلد دیوان شعر علامه

مازندرانی است که به همت دانشگاه سمنان به چاپ رسیده است. مصححی صبور و دقیق بود، اگر غم دیگران و انواع مسئولیت‌های خود تعریف کرده، امانش می‌داد.

از مهر ۱۳۸۰ که به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان، عازم این شهر کویری شد، بهار را هم در کوله‌بارش گذاشت و امید و سرسبزی و رویش را. بارانی شد بر دل‌های تشنه دانشجویان و دوستانش. هیچگاه از سکنا در این شهر گلایه‌ای نداشت و با شهر ساحلی من مقایسه نمی‌کرد؛ زیرا خودش ساحل آرامش اطرافیانش بود در تلاطمات زندگی. گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان را بر صفر بنا نهاد و با تلاشی شبانروزی و خستگی‌ناپذیر، آجر بر آجرش نهاد و پله بر پله‌اش افزود تا امروز بنایی باشد مستحکم، و یکی از پویاترین و گسترده‌ترین گروه‌های آموزشی دانشگاه سمنان که اکنون دانش‌آموختگان دکتری‌اش نیز ردای معلمی بر تن دارند. شاید از همین رو تمام سال‌هایی که در ایران حضور داشت، همکارانش مدیریت گروه را با طیب و اطمینان خاطر بدو می‌سپردند. غنا و ارتقای کتابخانه دانشگاه سمنان، یکی از دغدغه‌های همیشگی‌اش بود و برای توسعه آن بسی کوشید. پایان-نامه‌ها و رساله‌هایی که رج شده‌اند در اتاق کارش در دانشگاه و در کتابخانه‌اش در خانه-کتابخانه‌ای که هدیه کرده است به دانشگاه سمنان و دانشجویانی که از این پس می‌آیند و رد نگاه و دستانش را بر خطوط کتاب‌هایش می‌جویند- گواهی بر ثمرات ماندگار کوشش‌های بی‌دریغ اویند که برای کمک به انجام آنها خانه و دانشگاه نمی‌شناخت و چه بسیار که یک روز تعطیل آخر هفته نیز میزبان دانشجویان بود در خانه؛ از آن رو که کارهای بسیار دانشکده، ممکن بود مجال تمرکز بر کار رساله را به او ندهد.

مجله علمی- پژوهشی مطالعات زبانی و بلاغی که افزون بر عزم آهنین، کفشی آهنین نیز می‌طلیید، از توگلد تا بلوغ امروزش را محصول پایورزی‌های خستگی‌ناپذیر اوست. به دلیل وجود گویش سمنانی، اصرار او بر احتوای مجله بر مباحث زبانی بود تا محملی هم برای پرداختن به این گویش باشد. در همین راستا نخستین همایش ملی «پژوهشی در گویش سمنانی» را با یاری برخی همکاران دانشکده علوم انسانی در دی‌ماه ۱۳۸۳ برگزار کرد و خود دبیر اجرایی آن شد؛ همچنین دبیرکلی همایش بین‌المللی «گویش‌های مناطق کویری ایران» را که در آذرماه ۱۳۸۹ برپا گردید، به عهده گرفت. در هر دو همایش - که با حضور استادان میرز زبان‌شناسی و گویش‌شناسی ایرانی و غیرایرانی در دانشگاه سمنان و با حمایت نهادهای استانی برگزار گردیدند- نقش آفرین بود. در برقراری ارتباط بین شهر و دانشگاه نیز، بسی

توانمند بود؛ دیده بودم که حتی با اهل بازار دربارهٔ نقششان در پیشرفت و اعتلای دانشگاه، گفت و گو می‌کرد و به آنان القا می‌کرد که دانشگاه متعلق به آنهاست. عشق به ایران و زبان فارسی را نه هرگز در گفتار، بل در عمل به گونه‌های مختلف اثبات کرد. آموزش زبان و ادبیات فارسی در سه کشور، و تحمل سال‌ها سختی و غربت نیز نمود دیگری از این تبلور خلوص و ایمان به وظیفه بود. در آموزش زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور، به دلیل کارآمدی و تبحر، هم به لحاظ کمی و هم کیفی از سرآمدان بود. بیش از هفت سال در سه کشور سوریه، سوئد و مجارستان، آموزش زبان فارسی را بر بنیانی استوار نهاد. کتاب‌های آموزش دو زبانهٔ فارسی - عربی و فارسی - مجاری، حاصل اقامت‌های دو سالهٔ او در کشور سوریه و مجارستان است. افزون بر این در هر یک از این سه کشور که با افرادی در کار پژوهش دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی بودند، بی‌هیچ چشمداشتی همراهی می‌کرد؛ از تهیهٔ منابع تا کار علمی و ویراستاری، که بعضاً در برابر کار فراوان و اثربخشی خاصش، تنها به نامی از او در مقدمه بسنده کرده‌اند. دانشجویانش؛ ایرانی و غیر ایرانی، از بن جان دوستش می‌داشتند؛ چرا که او مرزی برای مهرورزی قائل نبود. در خانهٔ گرمش همواره به روی هر دو گشوده بود، حتی سال‌ها پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه.

مقاومتش در برابر ناملايمات و دردها، کم نظیر بود؛ دردهای جسمی بسیار و رنج‌های روحی فراوان کشید. در بیست و پنج سالی که با او دوستی نزدیک داشتم، هیچ‌گاه بی‌درد و دارو و درمان نبود؛ سانحهٔ رانندگی سال‌ها پیش در مسیر تهران - سمنان هم کار را بر او دشوارتر کرده بود؛ اما هیچ‌گاه زبان به گلایه نمی‌گشود و ساده می‌انگاشتشان؛ چنان که با این بیماری موهوم چنین کرد و سرانجام ناباورانه پر کشید و داغی نهاد بر دل بسیاران. اما، مرگ حقیرتر از آن است که یاد و نام نیک او را بتواند سترد از دل‌ها.

یاد، نام و سلوکش ماندگار!

قدسیه رضوانیان

۱۰ تیر ۱۳۹۹



